



آشنایی با اقتصاد عصر صفوی از دریچه نامه‌های این دوره (مطالعه موردی نامه‌های عصر شاه عباس اول)

مریم صالحی نیا^۱، محسن نوغانی^۲، نگین صالح مقدم^۳

^۱استادیار گروه ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

^۲دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

در بین منابع مختلف ادبی، نامه‌ها به علت فضای صمیمی‌تر دربردارنده نکاتی هستند که شاید در دیگر منابع ادبی و تاریخی وجود نداشته باشند. هر نویسنده در ضمن مباحثی که در نامه بیان می‌کند، اشاره‌ای مستقیم یا غیرمستقیم به فضای اجتماعی زمان خود دارد که با کشف آن اشارات و تحلیل محتوایشان می‌توان به دریافتی از فضای جامعه و کارکرد نظام‌های اجتماعی رسید. نظام‌های اجتماعی را می‌توان در چهار ساحت کلان سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع جای داد. این جستار بر عملکرد نظام اقتصادی عصر صفوی متمرکز است و می‌کوشد با نظر به نامه‌های عصر شاه عباس اول دریابد چه مسائلی از حوزه اقتصاد در نامه‌ها بازتاب یافته‌اند. وقتی داده‌های اقتصادی نامه‌ها تحلیل می‌شوند، سیمای اقتصادی آن جامعه از نظر میزان دسترسی به سرمایه، روش‌ها و منابع کسب درآمد، واحدهای پولی و مباحثی اینچنین تا حدودی روشن می‌گردند. در تمام دوره صفوی، عصر شاه عباس اول به شکوفایی اقتصادی شهره است. با عنایت به نامه‌های آن زمان می‌توان مواردی چند از عوامل رونق اقتصادی از جمله رشد تجارت خارجی و امنیت سیاسی را دریافت. جدا از آن، دیگر مسائل اقتصادی مثل مالیات‌ها، واحدهای پولی، پرداخت دستمزد، خرید و فروش و غیره از خلال نامه‌های آن دوره قابل رؤیتند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد، نامه‌های عصر شاه عباس، عصر صفوی، تجارت ابریشم.



(۱) درآمد

در هر عصر و زمانه‌ای، یکی از دغدغه‌مندی‌های انسان تأمین نیازهای زندگی برای ادامه بقا است و پول و سرمایه عنصر حیاتی زندگی آدمی شناخته می‌شود که او را به کار و تکاپو برای کسب درآمد لازم برمی‌انگیزد. بر این اساس اقتصاد یکی از ارکان و نظام‌های مهم اجتماعی است که هدف اصلی آن کسب درآمد برای مرتفع ساختن نیازهای مادی و چه بسا نیازهای معنوی زندگی آدمیست. در این نظام همه چیز قابل محاسبه بوده و روابط افراد به صورت مادی و مبتنی بر مبادلات نقدی است و میزان دسترسی به ثروت مادی، پایگاه و مرتبه اجتماعی این نظام را تعیین می‌کند (چلبی، ۱۳۷۵: ۸۱)؛ به این شکل که هر چه مردم یک جامعه ثروتمندتر و مرفه‌تر و حکومت آن از سرمایه مادی بیشتری برخوردار باشد، نظام اقتصادی آن جامعه پررونق بوده و از پایگاه اجتماعی والایی برخوردار است. به طور کلی می‌توان گفت هر آنچه که با پول و ثروت و متعلقات آن سر و کار داشته باشد، زیرمجموعه اقتصاد و نظام اقتصادی قرار می‌گیرد.

در تاریخ عصر صفوی، دوران حکومت شاه عباس اول دوره رشد اقتصاد است. در تعیین وضعیت اقتصادی هر دوره تاریخی هم می‌توان به مستندات و متون تاریخی و روایت‌های بازمانده از آن زمان مراجعه کرد، هم می‌توان از آمار و ارقام ثبت شده بهره گرفت (معمولاً این روش کمتر رایج است). آنچه مورخان این دوره از وضع اقتصاد می‌گویند، همگی نشان از جریان تجارت در عرصه بین‌المللی و رونق تولید و بازارها در داخل ایران دارد. تجارت سود فراوانی عاید دولت می‌کرده و تجار و بازرگانان زندگی مرفهی داشته‌اند (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۲۲-۱۲۳). جدا از تجارت، حکام نواحی از مردم مالیات دریافت می‌کرده‌اند که در اکثر مواقع شاه مالیات‌ها را به مردم می‌بخشیده است. نامه‌هایی که در این زمان نوشته شده‌اند همگی بر این حقایق تاریخی صحه می‌گذارند و گاهی از رهگذر نامه‌ها به نکاتی بر می‌خوریم که در منابع تاریخی از آنها سخنی به میان نیامده است؛ مانند قورق تجارت ابریشم در عهد شاه طهماسب اول و فروش مناصب درباری به افراد عامی در دربار خان احمد گیلانی. این نامه‌ها به زبان فارسی نوشته و در قالب کتاب منتشر شده‌اند و شامل موارد زیر می‌باشند:

۱- **نامه‌های خان احمدخان گیلانی** (۹۴۲-۱۰۰۵ق) شامل یکصد و هشت نامه که وی به عنوان حاکم گیلان (۹۴۳-۱۰۰۰ق)، به اشخاص و حکام مختلف نوشته و دربردارنده نکات بسیاری درباره مسائل اجتماعی و زندگی مردمان است. خان احمد گیلانی تنها چهارسال در روزگار شاه عباس زیسته و بعد از آن به عثمانی پناهنده شده است، اما حوادثی بین او و شاه رخ داده و نامه‌هایی رد و بدل شده که از اهمیت فراوانی برخوردار هستند.

۲- **منشآت تقی‌الدین کاشانی** (۹۴۳-۱۰۲۲/۱۰۲۴ق) مشتمل بر چهارده نامه است که در یک مقاله منتشر شده‌اند. این نامه‌ها در سه موضوع محبت‌نامه‌ها، منشآت روزگار پریشانی و نابسامانی و نامه‌هایی که در باب تقی کاشی و تذکره خلاصه‌الاشعار او نوشته شده‌اند، دسته‌بندی شده‌اند.

۳- **منشآت تفرشی** (وفات در ۱۰۴۱ق) از محمدحسین تفرشی، معلم و منشی عصر صفوی، حاوی پنجاه و شش نامه است که در نود و یک صفحه نگاشته شده و برخی نامه‌های اخوانی او و برخی دیگر نامه‌های شاه عباس به سلاطین کشورها و نامه‌های شاه صفی است.

۴- **منشآت حسن خان شاملو** (وفات در ۱۰۵۰/۱۰۵۲/۱۱۰۰ق) حاکم هرات در عصر شاه عباس و خوشنویس عهد صفوی، شامل سی نامه است که به صورت چاپ افست منتشر شده است. هرچند به گمان مصحح «کتاب در حدود سال‌های ۱۰۳۹ تا ۱۰۶۰ق کامل شده است» (محمدی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۶۰) اما چنانچه در مقدمه انگلیسی کتاب آمده، دو نامه مربوط به شاه عباس و چند نامه به معاصران وی در این کتاب وجود دارد.



۵- شاه عباس اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی (۱۳۶۷) تألیف نویسنده معاصر، عبدالحسین نوایی نیز در بردارنده مکاتبات شاه عباس با سلاطین اوزبک، عثمانی، اروپا و هند و همینطور اشخاص دیگر است که در سه جلد گردآوری شده است و از مهم‌ترین منابع ما در این پژوهش به حساب می‌آید.

این جستار می‌کوشد تا با روش تحلیلی سراغ محتوای نامه‌ها رفته و داده‌هایی را که به گونه‌ای روشن‌گر فضای اقتصادی عصر شاه عباس اول می‌باشند، شرح و تفصیل دهد. در نقل قول از نامه‌ها کوشش شده تا ابتدا به نویسنده نامه و تاریخ نگارش نامه یا تاریخ وفات فرد ارجاع داده شود و در ادامه نام کتاب و شماره نامه ذکر شود. تاریخ نگارش نامه با حرف «ت» و در صورت معلوم نبودن آن تاریخ وفات نگارنده با حرف «ف» مشخص شده است.

۲) مبانی نظری و روش تحقیق

در پژوهش حاضر با رویکردی بینارشته‌ای به نامه‌های عصر شاه عباس اول مراجعه شده و جلوه‌های نظام اقتصادی این عصر دریافت و بررسی شده است. این نامه‌ها از آن جهت که سرشار از ترکیبات بلاغی، اشعار، گویش‌ها و واژه‌های کهن می‌باشند دارای ارزش ادبی بوده و از آن روی که بازتاب‌هایی از زندگی اجتماعی آن روزگار دارند، می‌توانند از منظر علوم اجتماعی مورد بررسی قرار گیرند. برای تحلیل دقیق‌تر مصادیق اقتصادی و مرتبط با مسأله تحقیق، لازم است که ابتدا بستر و زمینه اجتماعی _ تاریخی این پدیده تحلیل و مفاهیم بنیادی مرتبط با جامعه در ابتدای امر واکاوی مفهومی و نظری شوند. بنابراین در آغاز بحث دو مفهوم «جامعه» و «اجتماع» مورد بررسی قرار می‌گیرند. بر مبنای تعریف جامعه‌شناسان، اجتماع جمع کوچکی از مردم است «که در خاک، خون، خوی و فرهنگ مشترکند» (حضرتی صومعه و مبارک، ۱۳۹۴: ۳) و جامعه مجموعه‌ای متشکل از گروه‌های اجتماعی است که با یکدیگر در ارتباط بوده و از فرهنگ مشترکی برخوردار هستند (نیک‌گهر، ۱۳۷۳: ۱۴۰). بدین ترتیب، جامعه بستری تاریخی، سرزمینی و فرهنگی است که نهادها و گروه‌های اجتماعی در آن به فعالیت می‌پردازند و چارچوب اجتماعی حاکم بر زندگی اجتماعی مردم در یک بستر فرهنگی _ تاریخی است. اما اجتماع که ارتباط بیشتری با حیات واقعی زندگی اجتماعی دارد، بر تعاملات و کنش‌های تاریخی و فرهنگی محدودتر از جمله محله یا یک منطقه جغرافیایی مشخص نظارت دارد. به لحاظ تحلیلی جامعه عام‌تر از اجتماع است و به عنوان نظام اجتماعی می‌تواند در ساحت‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد (چلبی، ۱۳۷۵: ۳۷). نظام اقتصادی به عنوان یکی از نظام‌های کلان اجتماعی مظاهر متعددی در نامه‌ها دارد. برخی چون مالیات‌های دریافتی از مردم گیلان مختص یک اجتماع خاص است و برخی دیگر مانند تجارت یا مسکوکات در کل جامعه مطرح‌اند.

این جستار به روش تحلیل محتوای کمی مضامین و جلوه‌های اقتصادی را از متن نامه‌ها یافته و تحلیل کرده است. تحلیل محتوا تکنیکی است که داده‌های به دست آمده از یک متن را استنباط و تحلیل می‌کند و خاصیت تکرارپذیری دارد؛ یعنی در هر زمان با به کار بردن این روش برای داده‌های یکسان می‌توان به نتایج قبلی دست یافت (کرپیندورف، ۱۳۹۱: ۲۵ و ۲۶). تحلیل محتوای کمی به روش کمی و با تهیه آمار و جدول به سراغ داده‌های یک متن می‌رود. برای استخراج و تحلیل داده‌های مورد نظر از متن نامه‌ها، ابتدا چک لیستی از داده‌های حوزه اقتصاد تهیه شده و نشانه‌هایی که جلوه‌ای از نظام اقتصادی در متون مورد نظر بوده است، ثبت گردیده است. برای اعتباربخشی به چک لیست علاوه بر مراجعه به مبانی نظری و خوانش دقیق متن، تأیید اساتید راهنما و مشاور اخذ شده است.

۳) پیشینه پژوهش

1. Society

2. community



تاکنون پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه در حوزه اقتصاد عصر صفوی منتشر شده است. از جمله محمد ابراهیم باستانی پاریزی در *سیاست و اقتصاد عصر صفوی* (۱۳۴۸) فصل‌هایی را به مسائل اقتصادی و مالی اختصاص داده است. نویسنده امنیت و مجهز کردن راه‌ها و ساخت کاروانسراها را زیربنای رونق تجارت در این عصر می‌داند و از بین محصولات و کالاهای متعددی که نام می‌برد، ابریشم را پرسودترین کالای تجاری معرفی می‌کند. آنگاه از مالیات‌ها می‌گوید که سلاطین صفوی غالباً مردم را از پرداخت آنها معاف می‌کرده‌اند. در ادامه وارد بحث پول و وجوه رایج مملکت می‌شود و ارزش ارزهای کشورها را با پول ایران می‌سنجد. در پایان تجمل‌گرایی و ثروت‌اندوزی صفویان را عامل رکود اقتصادی در آن زمان می‌داند. نویسنده در هر بحث، اغلب از سفرنامه‌های نوشته شده در آن زمان و در پاره‌ای موارد از نامه‌ها شواهدی را نقل می‌کند. چنانچه در خصوص نقش ارامنه در تجارت ابریشم گوشه‌چشمی به نامه شاه عباس در باب ارامنه جلفا دارد. *تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفویه* (۱۳۸۴) از عباس قدیانی اثر دیگری است که ضمن بحث در باب مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر صفوی، سخن کوتاهی درباره پول و دستگاه مالی صفویان بیان می‌کند. نویسنده واحدهای پولی رایج آن دوره و ارزش هر کدام را طرح می‌کند و به معرفی مناصب می‌پردازد که نظارت بر امور مالی داشته‌اند، مثل مستوفی‌الممالک، معیرالممالک که عیارسنجی مسکوکات را به عهده داشته، ضرابی‌باشی و غیره. فصل سوم *تاریخ ایران در عصر صفوی* (۱۳۹۲) از زهرا صادقی نیز دربردارنده مباحثی در خصوص اقتصاد و تجارت عصر صفوی است که با استناد به سفرنامه‌های آن زمان ارائه شده و کمابیش با توضیحات باستانی پاریزی همپوشانی دارد. *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه* (۱۳۸۷) از عبدالحسین نوایی در هشت فصل نگاشته شده که هر فصل به روابط سیاسی و اقتصادی ایران با کشورهایی چون عثمانی، هند و ممالک اروپایی اختصاص یافته و در خصوص مبادلات تجاری مباحثی طرح گردیده است. *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی* (۱۳۸۷) از رودلف پ. متی در چهار فصل به بررسی زوایای اقتصاد عصر صفوی از جمله اهمیت طلا در تجارت ایران، نقش ارامنه و یهودیان در تجارت خارجی، کارکرد ضرابخانه هویزه و کاهش تدریجی ارزش سکه‌ها پرداخته است. مقالاتی نیز در این حوزه نوشته شده است. از جمله «کاهش ارزش پول در اقتصاد عصر صفوی و عوامل مؤثر بر آن» (۱۳۹۲) نوشته سید هاشم آقاجری و زهرا قشقایی نژاد که بحث آن در باب مسکوکات و عوامل مؤثر بر کاهش ارزش پول است. طبق محتوای مقاله در آن عصر نقره لازم برای ضرب سکه عموماً از عثمانی وارد می‌شده است که بنا به دلایلی از جمله مشکلات مالی در دولت عثمانی، ورود نقره به ایران کاهش می‌یابد. پس شاهان دستور به ضرب مسکوکات کم‌عیاری دادند که از ارزش چندانی برخوردار نبوده و منجر به کاهش ارزش پول در جامعه ایران گردید. مقاله دیگر «حضور ارامنه در اقتصاد عصر صفوی» (۱۳۹۴) از یوسف ظهوریان است که در خصوص نقش پررنگ ارامنه در عرصه تجارت، صنعت و کشاورزی آن زمان بحث می‌کند. طبق اظهارات نویسنده، ارامنه که ابریشم را به بالاترین نرخ به اروپاییان می‌فروختند در نگاه شاه عباس از شایستگی لازم برای تجارت با اروپاییان برخوردار بودند. همچنین اشتیاق ایشان به آموختن حرفه‌های مختلف سبب شد تا پس از اسکان در منطقه جلفای اصفهان، صنعت این منطقه را رونق ببخشند و در زمین‌هایی که شاه در اختیارشان گذاشته بود، کشاورزی کنند. «تاریخ ایران: جایگاه ابریشم گیلان در اقتصاد و تجارت عصر صفوی» (۱۳۹۴) مقاله‌ای از مظفر محمدجانی است که با تاریخچه تولید و تجارت ابریشم در ایران آغاز می‌شود و به شرح زمینه‌های رونق تجارت ابریشم در عصر صفوی می‌پردازد. این مقاله روزگار ساسانیان و شهر مرو را مرکز کشت ابریشم در عصر باستان دانسته که با گذشت زمان به گیلان و مازندران منتقل می‌شود. سپس از دوره ایلخانیان تجارت ابریشم با دولت‌های خارجی آغاز می‌گردد تا آنجا که در قرن دهم و مقارن با حکومت صفوی، یک شرکت تجاری با هدف گسترش تجارت بین ایران و آسیای مرکزی در روسیه تأسیس شد. مهمترین کالای تجاری در این زمان ابریشم بود که در هلند طرفداران بسیاری داشت. سپس بنا به دلایلی چون جنگ‌های داخلی و کشت ابریشم در سایر کشورها تولید و تجارت این محصول کم‌رنگ می‌شود و کالاهای دیگر جایگزین ابریشم در عرصه تجارت می‌گردند. «اقتصاد و سیاست ایران در عصر صفوی» (۱۳۸۷) مقاله‌ای از محمد حسن‌نیا است که به نقد و شرح فصول کتاب رودلف متی پرداخته است. در بین پایان‌نامه‌ها نیز «حیات اقتصادی عصر صفویه» (۱۳۹۸) از پدram کرباسیان به عوامل رونق و افول اقتصادی، نقش زیارت و گردشگری در ایجاد مشاغل و گسترش اقتصاد شهرها و وقف و مصارف آن پرداخته است.



با توجه به نقش نامه‌ها در شناساندن چهره اقتصاد جامعه، تحقیقی که با تکیه بر نامه‌های این زمان به تحلیل اقتصاد و سیاست‌های اقتصادی بپردازد، انجام نگرفته است. پس پژوهش حاضر می‌کوشد از درون محتوای نامه‌ها داده‌های اقتصادی را کشف و تحلیل کند.

۴) بحث اصلی

تصویری که نامه‌ها از اقتصاد عصر شاه عباس به دست می‌دهند شامل تجارت خارجی، واحدهای پولی، انواع مالیات و مسائل مرتبط با ارث است که در شناساندن وضعیت اقتصادی آن زمان از جمله تجارت تولیدات داخلی از جمله ابریشم، وجوه رایج کشور، مالیات و نحوه دریافت آن از مردم اهمیت فراوان دارد. در ادامه هر یک از داده‌ها به تفصیل شرح خواهند شد.

۴-۱) تجارت

تجارت و بازرگانی در عصر صفوی رکن مهم اقتصاد آن زمان بود و بخش قابل توجهی از درآمد دولت از این راه تأمین می‌شد. در باب وضعیت تجارت آن دوره محمد ابراهیم باستانی پاریزی و زهرا صادقی در دو کتاب *سیاست و اقتصاد عصر صفوی* (۱۳۴۸) و *تاریخ ایران در عصر صفوی* (۱۳۹۲) آورده‌اند که آغاز حکومت شاه عباس اول مصادف بود با نابسامانی اوضاع مملکت. نه تنها وضعیت سیاسی، بلکه وضع اقتصاد ایران در اثر حملات کشورهای بیگانه، اغتشاش ایلات و جنگ‌ها و شورش‌ها ملتهب بود. تسلط نیروهای عثمانی بر مناطق مختلف کشور بر تولید ابریشم تأثیر گذاشته و تجارت آن را دچار رکود کرده بود. استیلای پرتغالی‌ها بر جزایر جنوب تجارت این منطقه را با کاهش جدی روبه‌رو کرده بود. از سمت شرق کشور نیز تحرکات اوزبکان تجارت آن منطقه را از پیشرفت انداخته بود. در نتیجه تجارت خارجی در این زمان وضعیت خوبی نداشت. در چنین شرایط آشفته، شاه عباس باید دست به کار می‌شد تا بتواند رونق را به عرصه تجارت و بازرگانی بازگرداند. ابتدا با شکست اوزبکان توانست مناطق کشت و تولید ابریشم را آزاد کند. سپس با همراهی کمپانی هند شرقی انگلیس، به تسلط پرتغالی‌ها بر جزایر جنوب پایان داد. آنگاه برای گسترش تجارت با هلند و سایر کشورهای اروپایی، با توجه به خصومت ایران و اروپا با امپراتوری عثمانی، راه جدیدی را که از مسیر گیلان و دریای خزر به هسترخان و روسیه و از مسیر خشکی به اوکراین منتهی می‌شد، برای صدور کالاها در نظر گرفت. به این ترتیب وضع تجارت خارجی در عصر حکومت شاه عباس رو به پیشرفت نهاد.

از آنجا که یکی از عناصر مهم در عرصه تجارت بین‌الملل روابط سیاسی مصالحه‌آمیز میان کشورهاست، شاه عباس تلاش می‌کرد تا همواره نظر مساعد ارامنه و مسیحیان را - به عنوان همکیشان بازرگانان اروپایی - جلب کند تا بتواند در دیدگاه اروپاییان صورت خوبی از خود به جا بگذارد. محتوای نامه‌های ۴۲، ۴۳ و ۴۴ از جلد سوم *شاه عباس مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی* مؤید همین نکته‌اند؛ شاه عباس ارامنه جلفای آذربایجان را به اصفهان آورده و مورد عنایت و احترام قرار می‌دهد تا روابط دوستانه خود با این اقلیت‌ها را حفظ کند تا ایشان در مقابل خواسته‌های سیاسی و اقتصادی شاه را برآورده می‌ساختند. بر اساس این نامه‌ها، شاه عباس خواسته‌های ارامنه را در خصوص خرید زمین اجابت می‌کند (نامه ۴۲)، برایشان کلیسا می‌سازد تا با آرامش به عبادت بپردازند (نامه ۴۳) و در نزاع بین مردم ماربانان^۱ با ارامنه از ایشان دفاع می‌کند و به وزیر حکم می‌کند تا برایشان خانه تهیه کند (نامه ۴۴).

بنادر مهم تجاری ایران در این زمان دو بندر هرمز و گمبرون (بندرعباس) بودند که همواره بین انگلیسی‌ها و هلندی‌ها بر سر تجارت در آن کشمکش و نزاع بود. کالاهای مهم صادراتی هم ابریشم و پارچه‌های زربفت، برخی سنگ‌های قیمتی، پشم شتر (کرک)، توتون و خشکبار بود. آجیل و خشکبار در میان هندی‌ها مشتری فراوان داشت. چرم از جمله ساغری و تیماج بیشتر مورد طبع اروپاییان بود و شتر و گوسفند به ارمنستان و آناتولی و استامبول فرستاده می‌شد. پشم شتر هم که بیشتر در کرمان تهیه می‌شد، برای تهیه شال کمر و عمامه مورد مصرف قرار می‌گرفت و صادر می‌شد.

از بین همه کالاهای ابریشم تجارت پرسودتر و بازار داغ‌تری داشت، چنانچه نامه‌هایی از شاه عباس به سلاطین اروپا و هند و نامه‌ای از تفرشی در خصوص تجارت این کالا نوشته شده‌اند.



۴-۱-۱) تجارت ابریشم

عمده کشت ابریشم در گیلان بود که قدمت آن به سده‌های پیش از حکومت صفوی می‌رسید. تجارت ابریشم یا از راه بنادر جنوب کشور صورت می‌گرفت یا از راه شمال و روسیه. از شهرهای مهم این دوره می‌توان اردبیل و تبریز را نام برد؛ اردبیل به علت نزدیکی به گیلان و وجود آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی و تبریز نیز به خاطر نزدیک بودن به گیلان و تجارت با عثمانی، اعراب، گرجی‌ها، هند و مسکو دارای بازارهای سرپوشیده و کالاهای نفیس بود (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸).

تجارت ابریشم با اروپا و از راه بندر هرمز در جلد سوم شاه عباس مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی^۲ که دربردارنده مکاتبات او با سلاطین اروپایی است، بازتاب یافته است. سر آنتولی شرلی، سفیر انگلستان، به شاه عباس در باب تجارت ابریشم چنین گفته: اولاً در باب ابریشم چنین مقرر شد که سودای ابریشم در هرمز بشود. چرا که مردم فرنگ هر ساله زر بسیار و براق‌های کلی از آلت حرب به الکای روم می‌برند و سودا می‌نمایند و حال آن که معامله ایشان بر طرف می‌شود هر دو جانبه دشمنی زیاد می‌شود و پادشاه اسپانیه حکمی به کپیتان هرمز فرستاده که از مردم عجم که در ملیت بندگان نوابند و ابریشم به هرمز آورند عزت و حرمت بدارد و خرجی که واقع شود زیاده نگیرند و قرار یافت که سودای ابریشم در هرمز بشود (آنتولی شرلی، شاه عباس مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی، ج ۳: نامه ۲۸).

جدا از داد و ستد ابریشم، در منشآت تفرشی از قورق تجارت ابریشم سخن آمده که نکته قابل تأملی در خصوص تجارت عصر صفوی به دست می‌دهد. از محتوای نامه تفرشی چنین برداشت می‌شود که «بعضی خوش‌آمدگویان تنگ‌چشم» در زمان شاه طهماسب مسبب قورق و منع خرید و فروش ابریشم شده‌اند. حال در عصر حاکمیت شاه عباس، تفرشی خواهشمند است تا این رسم برداشته شود و تجار آزادانه به معامله ابریشم پرداخته و گرگ یراقان (حامیان) مزاحمتی برای ایشان ایجاد نکنند.

همت عالی اساس چنان اقتضا فرمود که رسم قورق خرید و فروخت ابریشم که در زمان خاقان جنت مکان از کوتاه‌بین‌های بعضی خوش‌آمدگویان تنگ‌چشم شیوع یافته بود بر طرف نموده، عالمیان را مرخص سازیم که متاع ابریشم را به نوعی که تراضی طرفین در آن باشد به یکدیگر خرید و فروخت نمایند (تفرشی، ف ۱۰۴۱ هـ منشآت تفرشی: نامه ۵۶)^۳.

۴-۱-۲) تجارت با هند

نامه‌های ۵۴ و ۵۸ شاه عباس به شاه سلیم نیز گویای رفت و آمدهای تجاری با دولت هند هستند. طبق محتوای این دو نامه، سلاطین هند گاه از شاه ایران درخواست برخی «امتعه و تحف» (نامه ۵۴) و سنگ حکاکی شده (نامه ۵۸) داشته‌اند که شاه ایران برای تأمین بخشی از این سنگ‌ها وارد روابط اقتصادی با اروپا می‌شده است.

۴-۲) مالیات‌ها

دریافت مالیات و باج و خراج از عموم مردم، راه دیگری برای تأمین دخل و خرج دولت بود. باید اشاره کرد که مالیات فقط مختص جامعه عصر صفوی نبوده و در هر عصر و زمانی مردم در ازای خدماتی که دولت به آنان ارائه می‌دهد، ملزم به پرداخت مالیات هستند. در عصر صفوی نیز حکام نواحی به دستور شاه وقت وجوهی تحت عنوان جزیه، عُشر، خراج و عناوین دیگری که در نامه ۴۴ از نامه‌های خان احمد ذکر گردیده از مردم دریافت و به خزانه دولت واریز می‌کرده‌اند.

در نامه‌های خان احمد گیلانی، نامه ۴۴ از آن جهت که به انواع مالیات‌های دریافتی از مردم اشاره می‌کند، نامه‌ای بسیار مهم تلقی می‌شود. این نامه را شاه عباس، زمانی که مملکت گیلان را از تصرف خان احمد درآورده و خان سوار بر کشتی رهسپار بوده نگاشته و خطاب به مردم گیلان بیان می‌کند که از این پس ایشان مشمول لطف شاهانه بوده و برخی وجوه مالیاتی با تخفیف یا معافیت همراه است و او ثواب این کار را نثار ارواح ائمه معصومین^(ع) می‌کند. این وجوه را مصحح در صفحات ۲۳۵ و ۲۳۶ اشاره‌های کتاب شرح داده است که ذیل هر مورد از آنها بهره بردیم.



۴-۲-۱) تمغا

گونه‌ای مالیات غیرمستقیم ویژه تجار و کالاهای تجاری بوده که به احتمال در راهدارخانه‌های اطراف شهرها توسط راهدارها دریافت می‌شده و در واقع نوعی عوارض شهرداری بوده است. طبق اشاره شاه عباس، تمغا مالیاتی بوده مختص «تجار و مترددین هر بلاد و گیلانات حکام» (شاه عباس اول، ت ۱۰۰۰هـ نامه‌های خان احمد گیلانی: نامه ۴۴).

۴-۲-۲) شاهیه زر و تیموره زر

گونه‌ای سرانه سالیانه یا ماهانه بود و مردم موظف بودند برای تامین هزینه‌های دربار حکام پرداخت کنند. این وجوه «از رعایا و عجزه و غریبان» اخذ می‌شده است (همان).

۴-۲-۳) غریبه زر

به احتمال مبلغی بوده که از واردین به گیلان دریافت می‌شده و شاید به منظور تامین رفاه مسافران بیگانه دریافت می‌شده است.

۴-۲-۴) ساوری زر

انعام و پیشکش است که در مقابل انجام خدمتی به فرد داده شود. می‌توان گفت ساوری زر، مزد انجام خدمات دولتی بوده که از مردم دریافت می‌شده است.

۴-۲-۵) اترابلین

وجهی بوده است که از کشاورزان و رعایا دریافت می‌شده است. قیمت‌گذاران در هر سال ارزش زمین و آب را برآورده می‌کردند و ما به التفاوت برآورد با سال گذشته را به مال الاجاره کشاورز می‌افزودند و دریافت می‌کردند. سود این اجاره به نفع زمین‌داران بوده است.

۴-۲-۶) کیله زر

طبق توضیحات مصحح و شواهدی که از منابع تاریخی گیلان آورده، گونه‌ای سرانه بوده که طبق آن «عیال شخصی را از زوج جدا نموده به خدمت حکام مشغول دارند به زوجیت دیگری دهند» (همان). «کیله» یکبار دیگر در نامه نکوهش‌آمیز شاه طهماسب به خان احمد آمده است؛ آنجا که شاه اعلام می‌کند دیگر از خطاهای خان نخواهد گذشت و مملکت گیلان را به او نخواهد سپرد، چرا که خان قصبه «تولم» را تیول داده «که عورات مسلمانان را به تهمت زنا کشیده، کیله ساخته بندگی فرمایند» (شاه طهماسب اول، ت ۹۷۵هـ نامه‌های خان احمد گیلانی: نامه ۳۲).

این عبارت در منابع تاریخی از جمله تاریخ گیلان و تاریخ خانی علی بن شمس‌الدین لاهیجی عملی بدعت‌آمیز و با عنوان «زنه زر» آمده است (نوزاد، ۱۳۷۳: ۳۰۲). این مورد از سیاست‌های خان احمد بوده که چون در زمره وجوهات دریافتی از مردم شمرده شده، ارزش اقتصادی داشته و در بحث اقتصاد مطرح شده است.

۴-۲-۷) املاک جوری

جَوَزی/ جَوَری زمین‌هایی بوده‌اند که به دلایلی چون فرسودگی خاک، نبود آب قابل شرب و عوامل دیگر کشت و زرع در آنها انجام نمی‌شده است. این زمین‌ها را برای بهره‌برداری مجدد به کشاورزان واگذار می‌کرده‌اند.

۴-۲-۸) عشریه

به معنی ده یک و گونه‌ای از مالیات بوده که در آن یک دهم از دارایی فرد دریافت می‌شده است. در نامه ۷۷ که عریضه‌ای است به خان احمد، نگارنده بیان می‌کند که زمینی از عشایر و قبایلش به ارث برده است که در آن زمان خان از آنها به خاطر حبّ ائمه معصوم^(ع) عشر دریافت نمی‌کرده است. بنابراین از خان می‌خواهد که به شیوه پیشین از او نیز عشر طلب نکند.

در استمالت‌نامه سلطان مراد سوم عثمانی به سیمون خان -فرمانروای کارتیل^۴- هم به این نوع مالیات اشاره شده است. مضمون نامه بدین شرح است که بیگلربیگی‌های سرحدات عثمانی، از عهدشکنی‌ها و اعمال ظالمانه سیمون خان به سلطان شکایت



کرده‌اند. حال سلطان مراد ضمن برشمردن اقدامات و کارشکنی‌های سیمون، از او می‌خواهد که مقید به عهد و پیمان باشد و به تحریک اطرافیان دست به طغیان نزند. آنچه در این نامه اهمیت دارد، اشاره به عشریه و همچنین آسودگی مردم از پرداخت مالیات به خواست سلطان می‌باشد:

«با اظهار به این که خراجگزار قلعه هستید، از مزروعات اطراف قلعه عشریه مطالبه و خود را متصرف قری و مزارع اطراف قلعه قلمداد می‌نمایید» (سلطان مراد سوم، ف ۱۵۹۵م، شاه عباس اسناد و مکاتبات تاریخی ج ۲: نامه ۱۱).

۴-۲-۹) اثر نهادن

رسمی با عنوان «اثر نهادن» در نامه‌های خان احمد دیده می‌شود که به گمان مصحح گونه‌ای «مال الاجاره یا عوارض زمین» بوده و مردم گیلان ملزم به پرداخت آن بوده‌اند (خان احمد گیلانی، ف ۱۰۰۵هـ نامه‌های خان احمد گیلانی، نامه ۸۰). در این نامه خان در پاسخ به عریضه میر عبدالجلیل گو که^۵ اذعان می‌کند که می‌خواهد رسم اثر نهادن را مفقود گرداند و با مردم به عدالت رفتار کند. از این نامه نیز می‌توان به عنوان شاهی بر معافیت‌های مالیاتی در عهد صفویان بهره برد.

«... پاییز آینده ان شاءالله الکریم، رسم اثر نهادن را مفقود گردانم...» (همان).

۴-۲-۱۰) جزیه

جزیه نوعی مالیات بوده که غیرمسمانان ملزم به پرداخت آن بوده‌اند و آنطور که از توصیفات خان احمد پیداست، از مردم مسلمان گیلان هم دریافت می‌شده است:

جزیت‌شان همه ثابت چو مال گبر و یهود
به آن که هیچ از اینها نیامده کفران
(همان: نامه ۱۰۸).

۴-۲-۱۱) خراج

وجوه مالیاتی که پادشاهان از مردم عامه دریافت می‌کرده‌اند. در نامه‌های ۳۲ و ۱۰۸ نامه‌های خان احمد گیلانی به دریافت خراج اشاره شده است.

چنانچه در محتوای برخی نامه‌ها ملاحظه می‌شود و مورخان این دوره بدان اشاره نموده‌اند، شاهان صفوی تمایل به تخفیف در مالیات‌ها و حتی معاف کردن مردم از پرداخت آن داشته‌اند؛ چنانچه نامه ۷۵ نامه‌های خان احمدخان گیلانی حکم معافیت سپهسالار فومن با عنوان «حکم ترخانی میرجهانگیر» است. حسن این بخشش‌ها این بود که زمینه را برای رونق اقتصادی فراهم می‌کرد. علاوه بر این دقت و نظارت حکام و سلاطین صفوی بر کار مأموران مالیاتی اعم از نحوه دریافت مالیات و ستم نکردن به مردم و همچنین میزان وجه یا محصول دریافتی جهت عدم دریافت مبلغ بیشتر خود سبب دلگرمی مردم به دولت می‌شد؛ دولتی که همه جوره از ملت خود حمایت و دفاع می‌کند.

پرسش اینجاست که معافیت‌های مالیاتی چگونه سبب رونق اقتصاد می‌شده است؟ شاه عباس با پایین آوردن نرخ‌های مالیاتی یا حتی معافیت‌های مالیاتی و همچنین تقویت بنیه اقتصادی کشور، زمینه رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌آورد. سپس با خرج کردن همان مالیات دریافتی برای عمران و آبادانی کشور (مانند ساختن پل و راه جهت عبور و مرور کاروان‌ها و سنگفرش کردن راه‌ها، ایجاد کارگاه‌های تولیدی و تأمین هزینه‌های لازم برای تولید کالاهای مختلف و مواردی از این قبیل) و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی، سود آنها را به مردم می‌رساند و در واقع همان مالیات‌ها را مجدد به جیب ایشان باز می‌گرداند. به این ترتیب با کاهش دریافت مالیات، پول بیشتری در دست مردم باقی می‌ماند. ایشان از این پول در جهت افزایش تولید و گسترش تجارت سود می‌بردند و در نتیجه شکوفایی و رونق اقتصاد عصر خود را سبب می‌شدند (کرباسیان، ۱۳۹۸).

۴-۳) مسکوکات و وجوه معاملات



در عصر صفوی ضرب سکه طلا اغلب زمانی انجام می شد که پادشاهی تاج گذاری می کرد و به نام خود سکه ضرب می کرد و گرنه جز آن کاربرد چندانی نداشت. آنچه بیشتر بین مردم رد و بدل می شد، سکه های نقره ای بودند که در چهار گروه عباسی، محمودی، شاهی و بیستی قرار می گرفتند. همه این سکه ها (به جز بیستی) دایره ای شکل بودند و در یک روی آن نام پادشاه وقت و در روی دیگر نام شهر و تاریخ ضرب سکه حک شده بود. نوعی سکه سیاه به نام «غازبکه» یا «غازبیگی» نیز کاربرد داشت که به دو نوع ساده و مضاعف (دو برابر غازبکه ساده) تقسیم می شد. عباسی نوعی سکه نقره بود که از عصر شاه عباس اول و به نام وی رایج شد و وزن آن حدود یک مثقال یعنی ۴/۶۴ گرم بود. در ادامه برای شناخت و درک بهتر سکه ها، معرفی فهرست واری از آنها ارائه خواهد شد:

واحد پول	ارزش
یک عباسی	دو محمودی
یک محمودی	دو شاهی
یک شاهی	۲/۵ بیستی یا ده غازبکه ساده با پنج غازبکه مضاعف
یک بیستی	چهار غازبکه مضاعف
نیم عباسی	صد دینار
یک تومان	۵۰ عباسی به ارزش ده هزار دینار

ضرب سکه در ضربخانه ها و به دست ضرب باشی انجام می شده است. نظارت بر کار ضرب باشی به عهده معیر الممالک بوده که وظیفه تعیین عیار سکه های طلا و نقره را به عهده داشته است. در صدر همه مقاماتی که در دستگاه مالی کشور فعالیت می کردند، مستوفی الممالک قرار داشت که نظارت بر مالیات ها و تمامی امور مالی بر عهده او بود (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸ و قدیانی، ۱۳۸۷). پاره ای از نامه ها معرف مسکوکات رایج در عصر صفوی هستند. تنکه و دینار سکه هایی بوده اند که در معاملات آن دوره مورد استفاده قرار می گرفته اند. در این میان باید به تومان نه به عنوان واحد پول، بلکه به عنوان «وسیله محاسبه در معاملات» اشاره کرد که به وفور در نامه های خان احمد به کار رفته است.^۶ در این عصر تومان در معنای لغوی آن که «ده هزار» است، استفاده می شده است. این واژه ترکی مغولی است و در عصر مغول مالیات هر منطقه ای که به ده هزار می رسیده، اصطلاح تومان را برای آن به کار می بردند. مثل تومان خراسان (همان).

در بین نامه های شاه عباس، تومان یک مرتبه در ضمن سخن شاه به کار رفته است. شاه در این نامه _ که پیشتر بدان اشاره شد _ وزیرش را بابت نزاع مردم ماربانان با ارامنه جلفا توبیخ و از ارامنه پشتیبانی می کند؛ چرا که آنها در جلفا خانه داشته اند که «دو هزار تومان خرج آن کرده بودند و آن را خراب نموده کوچ خود را برداشته» به اصفهان مهاجرت کرده اند. پس سزاوار نبود که مردم ماربانان با ایشان اینگونه رفتار کنند (شاه عباس صفوی، ت ۱۰۱۴ هـ شاه عباس مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی ج ۳: نامه ۴۴).

۴-۳-۱) تنکه

در نامه ای از خان احمد نوعی سکه با عنوان «تنکه» آمده که در منابع تاریخی مطرح نشده و دهخدا آن را سکه ای از هر جنس (طلا، نقره و مس) معرفی کرده است.

«... رسیده و بروات را اول مهر وزیر فرموده، بعد از آن به مهر این جانب رسانند و مبلغ پانزده هزار تنکه مرسوم او را به سر قلم و تحویل ما با او راستی نمایند» (خان احمد گیلانی، ت ۹۵۵ هـ نامه های خان احمد گیلانی: ۶۷).

۴-۳-۲) دینار



دینار سکه طلا بود که خان احمد مقرر می کند به یکی از رعایای تنگدست «هر روزه پنجاه دینار از حمام جوز» داده شود (خان احمد گیلانی، ف ۱۰۰۵ ه نامه های خان احمد گیلانی: نامه ۵۹).

۳-۳-۴ برات

برات نوشته ای است حامل فرمان شاه یا حاکم که در آن میزان و حق برداشت از خزانه ثبت شده و این نوشته را به خزانه دار یا دیگر حکام و افراد حواله می کنند. برات معرب چک است؛ همان ورقی که در معاملات امروز نیز به وفور مورد استفاده قرار می گیرد. در ادامه با تاتاب برات در نامه های خان احمد و منشآت میرتذکره نشان داده خواهد شد.

خان احمد طی تنفیذ حکم وزارت خواجه مرتضی^۱، چنین فرمان می دهد که مستوفیان و دفترداران بدون فرمان او برات ننویسند؛ چرا که برات باید زیر نظر وی حواله شود.

«و مستوفیان و کتاب دفترخانه بی رخصت مشارالیه برات ننویسند و به حضور و استصواب او برات بنویسند و رسیده و بروات را اول مهر وزیر فرموده» (خان احمد گیلانی، ت ۹۵۵ ه نامه های خان احمد گیلانی: نامه ۶۷).

نمونه دیگر کاربرد برات در جوابیه مولانا غفاری^{۱۱} به میر بزرگ بکری^{۱۲} درباره کتابت تذکره خلاصه اشعار مشاهده می شود: «... و در موضع سربند قهرود در خارج کاشان برات مبلغ برآورد را به جناب خواجه عبدالباقی برادر مغفرت دستگاه مشارالیه دادند و آقا خضر مومی الیه آن مبلغ را از تحویل دار یکجا بازیافت نمود» (مولانا غفاری، میرتذکره در آیینة منشآت او: نامه ۱-۳).

۴-۴-۴ مشاغل

در بین مشاغل بسیاری که در نامه ها بدان اشاره شده، تعدادی جنبه تولیدکنندگی داشته و تعدادی دیگر حرفه بازاریان بوده است. جدا از آن، وقتی تجارت در نامه ها مورد بحث واقع شده، مشاغل مرتبط با تجارت نیز همراه آن آمده است. تاجر، بازرگان و سوداگر مشاغل مرتبط با تجارت^۷ و شعربافی، مسگری، تیرشربت پزی، خراطی، زرگر، کاردگر، کاسه گر، کرباس فروش، کوزه گر، گزرفروش، گلابگیر، گمج کن، ماست فروش، نطف فروش و نمک فروش مشاغلی هستند که به تولید و عرضه کالاها می پرداختند^۸. این افراد نقش غیر قابل انکاری در رونق و جریان بازارها داشته اند. تیرشربت پزی و گمج کن دو لغت و پیشه گیلکی هستند. گمج کن به معنی سازنده ظروف سفالی و مرکب از گمج به معنی «گونه ای ظرف سفالی بدون لعاب یا لعابدار گیلکی و مخصوص پخت خورش» و کون در معنی «سازنده» است (نوزاد، ۱۳۷۳: ۲۳۸). در خصوص تیرشربت پزی باید توضیح داد که این واژه گیلکی بوده و شربت پزی منصب افرادی بوده که در حلواخانه کار می کرده اند (همان). گزر نیز در گویش گیلکی همان زردک یا هویج است و گزرفروش کسی بوده که هویج می فروخته است.

۵-۴-۴ وقف

وقف بخشیدن اموال در راه خدا برای منفعت عموم است و از منظر اقتصادی می تواند زمینه ساز پیشرفت جامعه باشد، چرا که ثروت هر چند سال از خانواده و طبقه ای به خانواده و طبقه دیگر منتقل می شود و همگان از آن برخوردار می شوند. وقف همچنین نوعی بیمه بازنشستگی برای واقف محسوب می شود؛ بدین ترتیب که مقداری از درآمدها و عواید موقوفات در اختیار متصدی که فرزند ارشد اوست قرار می گیرد و بقیه در امور خیر صرف می شود (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۷۳-۷۴). تفرشی به این عمل نیک دست یازیده و زمین ها و منازل خود را در راه خدا وقف کرده است:

لاجرم، بعضی اراضی و باغات و قطعات و مجاری میاه و منازل که فقیر مالک بود به تفصیلی که مکتوب می گردد تقریباً
الی الله تعالی و طلباً لمغفرتہ وقف مؤید شرعی و حبس مخلد ملی نمودم. بر اولاد ذکور خود دهم فلان و بهمان
(تفرشی، ف ۱۰۴۱ ه منشآت تفرشی، نامه ۵۲).

بحث وقف در نامه های خان احمدخان گیلانی نیز دیده می شود. فردی با نام ملا عبدالوهاب بر مزار مولانا ابراهیم گیلانی بقعه ای احداث کرده و منافع بقعه را در امور خیر مثل اطعام رهگذران و غیره صرف کرده است. آنگاه از روی ارادت و اخلاص «به عتبه مقدسه فلک اساس سدره مساس علیه عالیه، آن محل و مکان و املاک و اراضی را وقف سده سنیه گردانید تا مثوبات و حسنات این خیرات و



میراث نثار و ایثار روح پرفتوح آن امام انام و ملجأ خاص و عوام شود». خود نیز تولیت آن بقعه را به عهده گرفته و وصیت نموده که پس از او فرزندانش متولی آن مکان شوند (خان احمد گیلانی، ف ۱۰۰۵ هـ نامه‌های خان احمد گیلانی، نامه ۸۸).

۴-۶) فروش روستا

خان احمد نامه‌ای به خلیل بیگ^۱ نوشته با این مضمون که می‌خواهد املاکی را خریده و وقف آستان مقدس امام رضا^(ع) کند. در ادامه بیان می‌کند که از فردی به نام خواجه رضوان مکتوبی دریافت کرده که روستای قجره از اعمال قزوین را می‌فروشد. خواسته خان این است که تحقیق کنند اگر ملک خوبی است وارد معامله شوند و قیمت آن را برای او بفرستند تا پرداخت کند. اهمیت محتوای این نامه یکی در امر معامله و دیگری در شیوه پرداخت بهای آن است. خان اظهار می‌کند که وجه زمین را یک باره یا به مراتب (به صورت اقساطی) پرداخت خواهد کرد.

... و اگر فی الواقع ملک خوب خوش آب نفع‌رسان بی‌مدعی بود شروع در معامله کرده و به ثمن مناسب بیع کنند و کمیت ثمن را نوشته بفرستند که قیمت دفعه واحد یا به دفعات ارسال داریم، چون به وقوف ایشان اعتماد دارد دیگر چه نویسند، والسلام (خان احمد گیلانی، ف ۱۰۰۵ هـ نامه‌های خان احمد یلانی: نامه ۲۴)

۴-۷) پرداخت دستمزد و مواجب

در نامه‌های ۱-۳ و ۱-۳ از منشآت میرتذکره سخنانی در باب پرداخت دستمزد به چشم می‌خورد. در نامه‌ای مولانا تقی‌ای شوشتری^{۱۳} را بابت پرداخت دستمزدش در ناحیه خشکرد می‌ستاید و عنایت او را سبب روشنی جانش می‌داند.

لله الحمد و المنه که به تأیید مهین منان، دیده‌گریبان محروم مانده از طلعت دیدار دوستان به دیدن مکتوب محبت اسلوب حضرت سیادت و نقابت پناه عزت و معالی دستگاه محبت و مودت آگاه ... میرزا شاه تقی، ملاذاً لازال ظلال سیادته و عطوفته مسبوته علی مفارق المحبین و الطالبین الی یوم الدین، که تا مزد عزیزان و یاران و دوستان اینجانب در موضع خشکرد نموده و در ضمن آن، این کمینه کم‌بضاعت را به قلم مشکین رقم یاد فرموده، روشن گردید، و دل محنت کشیده‌الم فراق دیده از دانستن اندک‌التفاتی که از مضمون آن مفهوم می‌گشت، فی‌الجمله اطمینانی حاصل گردانید (تقی‌الدین کاشانی، ف ۱۰۲۲/۱۰۲۴ هـ میر تذکره در آیینة منشآت او: نامه ۳-۱).

در نامه بعدی ماجرا برعکس نامه پیشین است و نگارنده بابت شیوه پرداخت دستمزد گله‌مند است. ماجرا از این قرار است که مولانا غفاری بیاض^{۱۴} پنج جلد تذکره خلاصه‌الاشعار را برای میر بزرگ بکری به عهده می‌گیرد اما دستمزد او در قهرود کاشان به آقا خضر سپرده می‌شود و نام‌برده به تدریج حق غفاری را پرداخت می‌کند تا این که هزینه سه جلد ادا می‌شود و در سال ۱۰۱۶ ق آقا خضر به قتل می‌رسد. مولانا غفاری به علت عدم دسترسی به دستمزد و همچنین کهولت سن از ادامه کتابت دست می‌کشد. پس از گذشت مدتی میر بکری نامه‌ای به غفاری نوشته و جویای مابقی مجلدات می‌شود. این نامه پاسخ غفاری به اوست و در پایان آن از میر بکری درخواست می‌کند که ادامه بیاض را به فرد دیگری بسپارد (بزرگ بیدلی و ایرانی، ۱۳۹۰: ۴۳). بنا بر توضیحات، شکل پرداخت دستمزد که به صورت اقساطی بوده در آن زمان بحثی قابل تأمل است.

ظاهراً که فراموش شده باشد که اجور کتابت پنج جلد را به حسب برآوردی که خود فرموده بودند، یکی به مغفرت دستگاه، آقا خضر، تسلیم نمودند و در موضع سربند قهرود در خارج کاشان برات مبلغ برآورد را به جناب خواجه عبدالباقی برادر مغفرت دستگاه مشارالیه دادند و آقا خضر مومی‌الیه آن مبلغ را از تحویل‌دار یکجا باز یافت نمود به تدریج به کتاب می‌داد تا سه جلد از آن جمله به اتمام رسید و به خدمت فرستاده شد و فقیر را در آن به هیچ وجه من الوجوه دخلی نبود و آنچه بود آزرده بود... (مولانا غفاری، میر تذکره در آیینة منشآت او: نامه ۳-۱).

نامه‌های ۹، ۴۱ و ۴۷ از منشآت تفرشی دربردارنده یک محتوای قابل اعتنا در خصوص پرداخت حقوق بازنشستگی است؛ تفرشی که سال‌ها حق خدمت به گردن خاندان اردوبادی (وزیران عهد شاه عباس و شاه صفی) داشته و آموزگار میرزا طالب‌خان اردوبادی بوده، حال مورد بی‌مهری میرزا حاتم‌بیگ قرار گرفته و از حقوق بازنشستگی محروم است (بهرام‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۰۱ و ۱۰۵).



پس در این نامه‌ها که به یاران خود نگاشته، اشاره می‌کند که در این زمان سنین عمرش به شصت رسیده و در فقر و عزلت روزگار می‌گذراند. اگر عنایت و نوازشی از جانب مخاطب دریافت نکند، قید همه چیز را زده و در طلب نان و آب و وجه معاش راهی هند شده و از دولت هند گدایی می‌کند.

روادار این معنی نباشند که از این بحر بی‌کران و دریای بی [۴۷ ب] پایان فیوضات شاهنشاهی ظل‌اللهی که کافر و مسلمان و مؤمن و بی‌ایمان و گبر و ترسا و یهود و نصاری و دانشمند و جاهل و عامل و حامل و هوشیار و غافل از آن بهره‌مندند بنده به حرمان ائصاف داشته، جهت تحصیل قوت لایموت به دربوژه این و آن و گدیة هندوستان رود، از جهت اندک سرمایه معیشتی بعد از احراز سعادت دوجہانی از خدمت درگاه خدایگانی شناسای ابنای زمان شود (تفرشی، ف ۱۰۴۱ هـ منشآت تفرشی: نامه ۹).

پاسخ خان احمد به کامران کوهدمی _ از امیران کوهدم در گیلان_ نیز دربردارنده یک نمونه معامله و برداشت موجب است. در این نامه خان پاسخ اتهاماتی را که کامران کوهدمی به او و امیران گیلان نسبت داده، یک به یک می‌دهد. از جمله آن که ایشان را متهم به «حرامی‌گری» کرده و خان می‌گوید شرح حرامی‌گری از این قرار است که «غازیان عظام و معتمد ملا میرحسین وزیر» معامله‌ای کرده‌اند که «در سر محصول عوض بدهد» و چیزی را به موجب بردارد (خان احمد گیلانی، ف ۱۰۰۵ هـ نامه‌های خان احمدخان گیلانی، نامه ۴۶). این قسمت از نامه افتادگی‌هایی دارد که موجب ابهام محتوای آن شده است.

۴-۸) ارث

از مسائل حقوقی که در حوزه اقتصاد هم قابل بحث و بررسی است، مسأله ارث و تقسیم اموال میان فرزندان پس از وفات فرد است که تفرشی در نام‌ای با عنوان «صورت خطبه و قضیة رقبات» به آن پرداخته است. این نامه که سرتاسر آن نصیحت و نقل حسرت‌ها و کجی‌های روزگار با تفرشی است، با سفارش وقف منازل و باغات در راه خدا و تقسیم اموال بین اولاد ذکور پایان می‌پذیرد. لاجرم، بعضی اراضی و باغات و قطعات و مجاری میاه و منازل که فقیر مالک بود به تفصیلی که مکتوب می‌گردد تقریباً الی الله تعالی و طلباً لمغفرته وقف مؤید شرعی و حبس مخلد ملی نمودم. بر اولاد ذکور خود دهم فلان و بهمان (همان: نامه ۵۲).

بحث ارث در نامه‌های خان احمد گیلانی هم مطرح شده است. فردی در عریضه به خان بیان می‌کند که چهارصد ورز زمین غیر قابل کشت از پدرانیش به ارث برده و می‌خواهد همانگونه که ایشان از پرداخت مالیات معاف بوده‌اند، او نیز معاف باشد. محتوای این نامه در قسمت عشریه هم مطرح شد.

۵) نتیجه‌گیری

نامه‌های نوشته‌شده در عصر شاه عباس اول صفوی دربردارنده برخی حقایق از نظام اقتصادی آن روزگار است. به گواه نامه‌ها تجارت مهمترین مسأله اقتصادی بوده و نامه‌هایی که به قلم شاه عباس یا خطاب به وی نوشته شده، گویای برخی سیاست‌های شاه در عرصه تجارت خارجی است که عامل رشد اقتصادی زمان بوده است. اصلی‌ترین کالای صادراتی و البته پرسود ابریشم بوده که انتقال آن به ممالک اروپایی توسط مسیحیان و آرامنه صورت می‌گرفته است. اما تجارت تنها مسأله طرح شده در نامه‌ها نیست و داده‌های دیگری از درون نامه‌ها یافت می‌شود که از منظر اقتصاد قابل بررسی هستند. انواع وجوه مالیاتی در نامه‌ها معرفی شده که به بهانه‌های مختلف از مردم دریافت می‌شده است. واحدهای پولی بسیار محدود هستند و خبری از مسکوکات رایج در عصر شاه عباس اول مانند عباسی و غیره نیست. خرید روستا توسط حاکم و پرداخت اقساطی یا کامل بهای آن و پرداخت قسطی دستمزد کاتب دیگر مواردی هستند که از محتوای نامه‌ها درک می‌شود.



۱. از روستاهای اطراف اصفهان.
۲. نامه‌های ۲۸، ۲۹، ۳۳، ۳۷.
۳. در ارجاع به نامه‌ها کوشش شده به نویسنده اصلی نامه و تاریخ نگارش آن یا تاریخ وفات نویسنده هم اشاره شود. علامت «ت» به منزله تاریخ نگارش نامه است و در صورت معلوم نبودن این تاریخ، تاریخ وفات نویسنده با علامت «ف» ذکر می‌شود.
۴. از ولایات گرجستان متعلق به ایران است.
۵. از قاریان و روحانیون معتبر گوکه در غرب لاهیجان بوده که در امور شرعی مردم و مملکت‌داری خان احمد نظارت‌هایی داشته است.
۶. رجوع شود به نامه‌های ۱۲، ۳۲، ۳۳، ۴۹، ۵۰، ۷۰، ۱۰۷.
۷. شاه عباس مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی جلد ۱ نامه‌های ۱، ۵، ۱۶ / جلد ۲ نامه‌های ۵، ۲۱، ۲۳، ۳۰، ۳۳ / جلد ۳ نامه‌های ۱۷، ۲۰، ۲۳، ۲۹، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۴۲، ۵۴. نامه‌های خان احمد گیلانی نامه‌های ۶، ۴۴، ۴۶.
۸. منشآت میرتذکره نامه‌های ۱-۲ و ۲-۲. نامه‌های خان احمد گیلانی نامه‌های ۲۱، ۴۹، ۵۰، ۵۳، ۵۴، ۵۶ و ۵۸.
۹. بنا بر اظهار مصحح خلیل بیگ همان خلیل بیک تکلو لئه ابوطالب میرزاست که در جنگ بین حمزه میرزا و طایفه تکلو به قتل رسید.
۱۰. خواجه مرتضی وزیر خان احمد در سال ۹۵۵ق، یعنی هنگام سیزده‌سالگی خان، بوده است.
۱۱. نخستین کسی است که نام او در مقام کاتب یا بیاض‌نویس تذکره خلاصه‌الشعار در نسخه خطی تذکره ذکر شده است.
۱۲. وی از امیران هند در قرن ۱۱ است.
۱۳. ادیب، مترجم و شاعر دربار اکبرشاه و فرزند او جهانگیرشاه بوده است.
۱۴. تهیه پاکنویس از روی نسخه‌های یک اثر را بیاض می‌گویند.

منابع

- آقاجری، هاشم و قشقای نژاد، زهرا. (۱۳۹۲). «کاهش ارزش پول در اقتصاد عصر صفوی و عوامل مؤثر بر آن». در *فصلنامه علمی-پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء*. ۲۳ (۱۸) (پیاپی ۱۰۸)، تابستان ۱۳۹۲. صص ۱-۱۳.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۴۸). *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفیعلیشاه.
- بزرگ بیدلی، سعید و ایرانی، نفیسه. (۱۳۹۰). «بررسی زندگانی "میرتذکره" در آیین منشآت او». در *مجله تاریخ ادبیات*. (۶۶/۳)، زمستان ۱۳۹۰. صص ۲۳-۵۴.
- بهرام‌نژاد، بهرام (مصحح). (۱۳۹۰). *منشآت تفرشی (مجموعه‌ای از نامه‌های اخوانی و دیوانی دوره صفویه)*. تألیف محمدحسین تفرشی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- _____. (۱۳۸۶). «منشآت میر محمدحسین تفرشی کندوکاوی در زندگانی فرهنگی و دیوانی او». در *مجله نقد و بررسی*. ۶ (۴) (پیاپی ۴۳). زمستان. صص ۹۳-۱۲۴.
- پ. متی، رودلف. (۱۳۸۷). *اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی (چهار مطالعه موردی)*. ترجمه حسن زندیه. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- حسن‌نیا، محمد. (۱۳۸۷). «اقتصاد و سیاست ایران در عصر صفوی». در *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*. (۳۷). زمستان. صص ۲۰۱-۲۱۶.



- حضرتی صومعه، زهرا و مبارک، سهیلا. (۱۳۹۴). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: بهمن برنا.
- ریاض الاسلام (مصحح). (۱۹۷۱). *منشآت حسن خان شاملو*. تألیف حسن خان شاملو. کراچی: مؤسسه مطالعات آسیای مرکزی و شرقی.
- صادقی، زهرا. (۱۳۹۲). *تاریخ ایران در عصر صفویه*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- ظهوریان، یوسف. (۱۳۹۴). «حضور آرامنه در اقتصاد عصر صفوی». در *فصلنامه تاریخ پژوهی «مجله انجمن علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد»*. (۶۳). تابستان. صص ۵۹-۸۲.
- قدیانی، عباس. (۱۳۸۴). *تاریخ، فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفویه*. تهران: فرهنگ مکتوب.
- کرباسیان، پدram. (۱۳۹۸). «بررسی حیات اقتصادی دولت شیعی صفویه». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور.
- کرپیندورف، کلوس. (۱۳۹۱). *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*. ترجمه هوشنگ نایی. چاپ ششم. تهران: نشر نی.
- محمدجانی، مظفر. (۱۳۹۴). «تاریخ ایران: جایگاه ابریشم گیلان در اقتصاد و تجارت عصر صفوی». در *مجله رشد آموزش تاریخ*. (۱). پاییز. صص ۶۴-۶۹.
- محمدی، مجتبی؛ نوربان، مهدی؛ چترایی، مهرداد. (۱۳۹۷). «تحلیل جایگاه فرهنگی- ادبی حسن خان شاملو بر پایه منابع نویافته (معرفی، نقد، بررسی، نسخه‌شناسی)». در *نشریه متن‌شناسی ادب فارسی*. (۳۸). صص ۱۵۳-۱۶۸.
- نویایی، عبدالحسین. (۱۳۶۷). *شاه عباس مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی*. (ج.۱). به اهتمام عبدالحسین نویایی. تهران: انتشارات زرین.
- _____ (۱۳۶۷). *شاه عباس مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی*. (ج.۲). به اهتمام عبدالحسین نویایی. تهران: انتشارات زرین.
- _____ (۱۳۶۷). *شاه عباس مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی*. (ج.۳). به اهتمام عبدالحسین نویایی. تهران: انتشارات زرین.
- _____ (۱۳۸۷). *روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- نوزاد، فریدون (مصحح). (۱۳۷۳). *نامه‌های خان احمدخان گیلانی*. تألیف خان احمد گیلانی. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- نیک‌گهر، عبدالحسین. (۱۳۷۳). *مبانی جامعه‌شناسی و معرفی تحقیقات کلاسیک جامعه‌شناختی*. تهران: رایزن.
۱. از دهستان‌های فومن در استان گیلان.